

بعثت، غدیر و مهدویت

نیم‌نگاهی به سه مؤلفه مبنایی انسجام اسلامی*

سیدفیاض حسین رضوی**

چکیده

در نوشتار حاضر، ابتدا رابطه بعثت و مهدویت و حکومت عدل جهانی امام عصر(عج) در ضمن آیه اظهار (هو الذی ارسل رسوله بالهدی...) بحث و بررسی شده و سپس حلقه اتصال (غدیر) میان بعثت و مهدویت و رابطه آن با بعثت و حکومت جهانی امام مهدی در ضمن آیات شریفه وعد (وعد الله الذین آمنوا منکم...) و اکمال (الیوم اکملت لکم دینکم...) پژوهیده شده است. با روشن شدن زوایای مختلف بحث، نقش حساس و رابطه منطقی بعثت، غدیر، مهدویت و حکومت جهانی تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: بعثت، مهدویت، اظهار، خلافت، ولایت، تمکین.

به نظر می‌رسد دین اسلام از میان ادیان دیگر دارای سه مرحله اساسی، مرحله آغاز، مرحله کمال و مرحله پیروزی است. اولین مرحله با «بعثت» پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شروع شد و در حدود ۲۳ سال طول کشید. مرحله دوم نیز با «ولایت» حضرت علی علیه السلام شروع شده و تا ظهور حضرت حجت (عج) ادامه می‌یابد. بالاخره مرحله سوم با «ظهور امام عصر» آغاز می‌شود و در دوران حکومت ایشان به پیروزی نهایی می‌رسد. در قرآن آیاتی وجود دارد که به هر سه مرحله اشاره دارد. ما در موضوع مقاله (بعثت، غدیر، مهدویت و حکومت جهانی از دیدگاه اهل سنت) می‌کوشیم آیاتی را که با سه مرحله مذکور ارتباط دارد، یعنی آیه اظهار و آیه وعد و بالاخره آیه ولایت را در این عرصه بررسی کنیم.

بعثت و مهدویت و ارتباط میان آنها

آیه اظهار

هو الذی أرسل رسولہ بالهدی و دین الحق لیظہرہ علی الدین کلہ

ولو کرہ المشرکون؛

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیینها چیره و غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

در آیه مذکور سه سؤال عمده است که باید پاسخ داده شود. سؤال نخست: مرجع ضمیر (هائ) در «لیظہرہ» به چه چیزی بر می‌گردد؟ به پیامبر یا به دین حق؟^۱ سؤال دوم: چیرگی به چه معناست؟ آیا به معنای تسلط یافتن به وسیله حجت و برهان است یا به وسیله غلبه و پیروزی؟^۲ سؤال سوم: این چیرگی به دست چه کسی و در چه زمانی تحقق می‌یابد؟ آیا توسط حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان یا به وسیله امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان؟^۳ در پاسخ به سؤال نخست می‌گوییم: احتمال دوم (برگشت ضمیر به دین حق) به چندین وجه درست است.

وجه اول: ظهور و سیاق آیه دلالت دارد که ضمیر (هائ) به «دین حق» باز می‌گردد، زیرا در آیه قبل خداوند می‌فرماید: «مشرکان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند.»^۴ نوری که کفار و مشرکان می‌خواهند آن را خاموش کنند، جز اسلام و دین حق چیز دیگری نیست. مفسر بزرگ اهل سنت، محمد علی الصابوری، نیز به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: «یطفنوا نورا لله

ظہور

آراد به نور الاسلام...^۶ بنابراین، خداوند در آیه مورد بحث به آنها پاسخ می‌دهد که اسلام نه تنها از بین نمی‌رود، بلکه بر همه ادیان غالب می‌آید. خداوند به پیامبر و امت او مژده و بشارت می‌دهد که عاقبت، پیروزی و غلبه با آنهاست. پس به قرینه سیاق، اتمام نور یعنی چیرگی اسلام و همین غلبه و چیرگی باعث می‌شود که مشرکان خشمگین باشند.

علاوه بر این، در نزد خداوند دین اسلام مهم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تبلیغ و ترویج آن مبعوث به رسالت شده‌اند. واقعیت این است که اسلام هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. لذا باید در آیه مورد بحث چیرگی اسلام مطرح باشد.

وجه دوم: اکثر مفسران اهل سنت ضمیر (هاء) را به دین حق و اسلام برگردانده‌اند^۷ و ما هم در صدد بیان نظر اکثر اهل سنت هستیم.

وجه سوم: وجود روایات و اقوال علمای اهل سنت^۸ درباره آیه در حق حضرت مهدی علیه السلام است. در نتیجه باید ضمیر (هاء) را به دین حق برگردانیم، چرا که توسط آن حضرت بر سایر ادیان غلبه می‌یابد. بنابراین، اسلام است که بر سایر ادیان مستولی می‌شود.

در پاسخ به سؤال دوم می‌گوییم: به نظر می‌رسد این چیرگی به وسیله غلبه و پیروزی باشد. فخر رازی این مطلب را مطرح کرده و می‌گوید:

بدان که چیرگی بر دیگری، یا با حجت و برهان یا با فراوانی و زیادی و یا با غلبه و پیروزی است، و چون بشارت الهی مربوط به آینده است نه حال، و از طرف دیگر، آشکار شدن این دین با حجت و برهان در تمام زمانها معلوم است، بنابراین باید چیرگی به معنای برتری اسلام با غلبه باشد.

البته غلبه جزئی و مقطعی اسلام بر دیگر ادیان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محقق شده و بهترین دلیل بر آن، پرداخت جزیه از طرف پیروان ادیان دیگر به مسلمانان است. این بیانگر قدرت و شوکت اسلام در آن دوران است، ولی متأسفانه آنان که دیروز به مسلمانان جزیه می‌پرداختند، امروز حتی به مقدسات ما دست تجاوز دراز کرده و از هر سو ما را در محاصره و فشار گرفته‌اند. این در حالی است که تلاشها و برنامه‌های تبلیغی دیگر ادیان، بسیار گسترده و فراگیر شده است. اگر بر این باوریم که قرآن کریم شایسته امروز و فرداهاست، چگونه می‌توانیم پیروزی اسلام را بر دیگر ادیان با اوضاع کنونی، تطبیق دهیم؟ در حالی که مسلمانان از هر سو در محاصره و حلقه تنگ نظامها، سیاستهای گوناگون و فشارهای فزاینده قرار گرفته‌اند، منتظر تحقق آن بشارت الهی هستند تا شوکت و عظمت اسلام بر جهان مستولی گردد.

در تفسیر ابن جزئی چنین آمده است: «و چیرگی آن یعنی آن را بالاترین و نیرومندترین دینها قرار داد تا مشرق و مغرب را فراگیرد.»^{۱۰} این همان روایتی است که گروهی از مفسران از ابوهریره نقل کرده‌اند^{۱۱} (و در نظر اهل سنت معتبر است). در کتاب *درالمنثور* چنین آمده است:

سعید بن منصور و ابن المنذر و بیهقی در کتاب سنن خود از جابر، درباره «لیظهره علی الدین کله» روایت کرده‌اند که گفت: این واقع نخواهد شد مگر اینکه فقط اسلام پیروانی داشته باشد نه یهودی و نه مسیحی.^{۱۲}

قرطبی می‌گوید: سدی نیز گفته است: این اظهار دین، به هنگام خروج مهدی علیه السلام است که کسی نمی‌ماند جز اینکه پیرو اسلام شود.^{۱۳} در همین زمینه، مقداد بن اسود می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدر و لایر الا أدخله الله (علیهم) کلمة الاسلام، [اما] بعز عزیز و [اما] بذل ذلیل، [اما] تعزهم فیجعلهم من أهلها فیعزوا به، و اما یدلهم فیدینون له؛^{۱۴}

در روی زمین هیچ خانه خشت و گلی و خیمه موین نمی‌ماند مگر اینکه خداوند آیین اسلام را در آن خانه وارد می‌کند یا با عزت و سربلندی یا با ذلت و خواری؛ یا اسلام را می‌پذیرند و خداوند آنها را سربلند می‌گرداند یا به ناچار در برابر اسلام سر تعظیم فرود می‌آورند.

بنابراین، نتیجه می‌گیریم اسلام با پیروزی و غلبه بر جهان مستولی می‌گردد.

در پاسخ به سؤال سوم می‌گوییم: با توجه به اقوال تابعین، احتمال دوم (چیرگی و غلبه به وسیله امام مهدی در آخرالزمان) درست به نظر می‌رسد. قرطبی می‌گوید: سدی گفته است: این اظهار دین، به هنگام خروج مهدی است که کسی نمی‌ماند جز اینکه پیرو اسلام شود.^{۱۵} سعید بن جبیر درباره آیه «لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» می‌گوید: ایشان مهدی از اولاد فاطمه است.^{۱۶}

در تفسیر قرطبی چنین آمده است:

فروی أن جمیع ملوک الدنیا کلها اربعة مؤمنان و کافران فالؤمنان سلیمان بن داود و اسکندر و الکافران نمروود و بختنصر و سیملکها من هذه الامة خامس لقوله تعالی «لیظهره علی الدین کله» و هو المهدی؛^{۱۷}
 روایت شده است که پادشاهان دنیا چهار نفر بودند: دو نفر مؤمن و دو نفر کافر. آن دو مؤمن سلیمان بن داود و اسکندر بودند و دو کافر نمروود و بختنصر بودند. به زودی پنجمی نیز از امت محمد صلی الله علیه و آله به دلیل آیه «لیظهره علی الدین کله» مالک این دنیا می‌شود و او مهدی است.

روایات بسیاری در کتب حدیثی اهل سنت وجود دارد مبنی بر اینکه حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است و در آخرالزمان زمین را پر از عدل و داد می‌کند، کما اینکه قبل از او پر از ظلم و جور شده است.^{۱۸} علاوه بر اینها می‌گوییم: امکان ندارد این غلبه و پیروزی توسط حضرت عیسی علیه السلام باشد چنان‌که برخی معتقدند- زیرا ما اعتقاد داریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

طهر

آخرین نبی و افضل آنها و نیز مهیمن بر سایر انبیاست. آیا معقول است که حضرت عیسی علیه السلام بیاید و دین اسلام را کامل کند و به اتمام برساند و آن را بر سایر ادیان غلبه بدهد، در حالی که پیامبر اسلام آخرین نبی و افضل آنها باشد! ما می‌گوییم و ادله هم آن را ثابت کرده‌اند که اسلام توسط یکی از جانشینان پیامبر و از فرزندان ایشان - حضرت مهدی علیه السلام - بر سایر ادیان غلبه می‌یابد و هیچ محذوری هم پیش نمی‌آید، زیرا جانشینان حافظ و کامل کننده اسلام‌اند؛ همان اسلامی که پیامبر اکرم برای آن مبعوث شدند. ابن جوزی درباره نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی (عج) می‌گوید: اگر حضرت مهدی پشت سر حضرت عیسی علیه السلام نماز بخواند، به دو دلیل جائز نیست: یکی اینکه نماز خواندن ایشان پشت سر حضرت عیسی علیه السلام او را از امامت خارج و مأموم و تابع خواهد کرد. دوم اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لانی بعدی» و همه شرایع بعد از پیامبر نسخ شده است. حال اگر مهدی (عج) پشت سر عیسی علیه السلام نماز بخواند، حدیث مذکور مورد شبهه قرار می‌گیرد.^{۱۹} همین استدلال نیز در اینجا مطرح است. بنابراین غلبه و پیروزی بر سایر ادیان در آخرالزمان توسط فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت مهدی (عج) و به کمک حضرت عیسی تحقق می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

۱. سنت خداوند و هدف نهایی بعثت بر این قرار گرفته است که دین اسلام بر دیگر ادیان غالب و چیره شود.
۲. این غلبه و چیرگی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن تا به حال به طور کامل تحقق نیافته است.
۳. این چیرگی در آخرالزمان به دست امام عصر (عج) محقق خواهد شد.

غدیر و رابطه آن با بعثت و مهدویت

اسلام که آورنده آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و به دست امام مهدی بر سایر ادیان چیره می‌شود، باید به دلیل آیه وعد (... ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ...) ^{۲۰} قبل از این غلبه، کامل شده و به مقام رضایت خداوند رسیده باشد. حال سؤال این است این دین کی و در کجا کامل شد و به رضایت خداوند رسید؟ با روشن شدن پاسخ این سؤال، حلقه اتصال میان بعثت و مهدویت و حکومت جهانی امام مهدی، جایگاه واقعی خود را باز می‌یابد و مثلث بعثت، غدیر و حکومت جهانی امام مهدی معین و کامل می‌شود. برای اینکه این مطلب روشن شود، اندکی در مورد آیه وعد و سپس در مورد آیه اکمال بحث خواهیم کرد.

وعد الله الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى
لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ
بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^{۲۱}

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

در این آیه خداوند مردم (امت پیامبر) را مورد خطاب قرار داده است و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند (الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) و نیز تنها او می‌پرستند و چیزی را شریک او قرار نمی‌دهند (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)^{۲۲} به سه چیز مزد می‌دهد.

خلافت روی زمین

طبري

اولین مرزده‌ای که به آنها می‌دهد این است که «لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ قطعاً آنان را خلیف و حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید. در این زمینه ثوبان از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل می‌کند: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خداوند زمین را یکجا برای من جمع کرد و من مشرق و مغرب آن را دیدم و دیدم که امت در آینده نزدیک مالک آن می‌شود.^{۲۳}

الوسی در مورد این می‌نویسد:

اگر بگوییم همه اینها (غلبه اسلام و مسلمانان) به دست مؤمنان در حوزه و در دوران (حکومت) مهدی ﷺ و هنگام نزول عیسی ﷺ تحقق می‌پذیرد، پس نیازی نیست به چیزهایی که قبلاً ذکر کردیم.^{۲۴}

طبری می‌گوید: «لیورثنهم الله أرض المشركين من العرب والعجم، فيجعلهم ملوكها وساستها.»^{۲۵} در خصوص «الارض» نیز معظم مفسران اهل سنت می‌گویند: «الارض» بر عمومیت زمین دلالت دارد و نمی‌توان آن را به زمین مکه یا مدینه محدود دانست.^{۲۶} با توجه به این ویژگی دو مطلب زیر به دست می‌آید:

۱. این خلافت جهانی خواهد بود و به منطقه‌ای اختصاص نخواهد داشت.
۲. بدیهی است که چنین خلافت و حکومتی تا به حال به وجود نیامده است.

تمکین دین مرضی

دومین مزدهای که به آنها می‌دهد این است که «...وَلِيْمَكُنَّ لَهُم دِينَهُم الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...»؛ دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت. در خصوص ماهیت این دین میان مفسران اختلافی وجود ندارد و همگی اتفاق دارند که دین مرضی به دلیل آیه «...الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...»^{۲۷} همان اسلام است که ثابت و مستقر شده و بر سایر ادیان غلبه می‌یابد.^{۲۸} با توجه به این ویژگی چندین مطلب به دست می‌آید.

۱. با توجه به اینکه اسلام در اواخر عمر شریف پیامبر ﷺ کامل شد و به حد رضایت پروردگار رسید، چون همه مفسران اتفاق نظر دارند که سوره مائده از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، برخی شأن نزول‌هایی^{۲۹} که برای آیه ذکر شده‌اند از اعتبار ساقط می‌شوند.

۲. با توجه به ویژگی ثبات و استقرار و نیز گستردگی اسلام و غلبه آن بر سایر ادیان، برخی احتمالات از قبیل جزئی، محدود و مقطعی دانستن این خلافت، باطل می‌شود.

۳. غلبه اسلام بر سایر ادیان صرفاً به معنای فتح ممالک و جزیه دادن پیروان دیگر مذاهب به مسلمانان نیست تا برخی بگویند این فتوحات و پرداخت جزیه تا حدودی در زمان پیامبر اکرم ﷺ و خلفا به دست آمده، بلکه به این معناست که تنها اسلام پیروانی داشته باشد و بس. (این بحث در ضمن تفسیر آیه اظهار گذشت.)

۴. غلبه اسلام بر سایر ادیان به دلیل آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^{۳۰} و به اعتقاد فریقین، در دوران امام مهدی (عج) محقق خواهد شد. رفع خوف و ایجاد امنیت

سومین مزدهای که خداوند به مؤمنان می‌دهد این است که ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند: «...وَلِيْبَدِّلَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...». با توجه به ویژگی تمکین (ثبات و استقرار و نیز گستردگی اسلام و غلبه آن بر سایر ادیان) شأن نزولی که از سوی برخی برای آیه ذکر شده است که امنیت مورد نظر در آیه در زمان خلفای چهارگانه متحقق شده است،^{۳۱} شأن نزول درستی نخواهد بود. علاوه بر این، در زمان هیچ کدام از این خلفا امنیت وجود نداشته است. در زمان امام صادق عليه السلام گویا برخی از عامه نیز گمان می‌کردند که آیه در مورد خلفا اربعه است. لذا فضل در

خصوص این مطلب از امام جعفر صادق عليه السلام سؤال کرد و ایشان در جواب به وی فرمودند:

...مَتَى كَانَ الدِّينَ الَّذِي ارْتَضَاهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَتَمَكَّنًا بِإِنْتِشَارِ الْأَمْرِ

فِي الْأُمَّةِ وَذَهَابِ الْخَوْفِ مِنْ قُلُوبِهَا وَإِرْتِفَاعِ الشُّكِّ مِنْ صُدُورِهَا فِي عَهْدِ

وَاحِدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ وَفِي عَهْدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ إِرْتِدَادِ الْمُسْلِمِينَ وَالْفِتَنِ

التي كانت تثور في أيامهم والحروب التي كانت تنشب بين الكفار
وبينهم؛^{۳۲}

...چه زمانی دین مرضی خدا و رسول تثبیت شده است و امر آن
انتشار یافته و خوف و شک از قلوب و سینه‌های مردم در عهد یکی از آن
سه خلیفه و در عهد علی علیه السلام با ارتداد مردم بیرون رفته است؟ چه
فتنه‌هایی که در ایام آنها برانگیخته شد و چه جنگه‌هایی به آنها نسبت داده
شده است که بین آنان و کفار واقع شد.

آیا با توجه این اختلافها و جنگها می‌توان گفت: امنیت مورد نظر آیه در زمان صحابه
متحقق شده بود؟

نتیجه‌گیری

۱. مورد خطاب در آیه عموم مسلمانان اند و به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته
انجام داده‌اند و تنها او را می‌پرستند و چیزی را شریک او قرار نمی‌دهند، سه چیز - خلافت روی
زمین، تمکین دین مرضی و رفع خوف و امنیت کامل - مژده داده شده است.
۲. اسلام در اواخر عمر شریف پیامبر به حد رضایت پروردگار رسید بنابراین، برخی از شأن
نزولها که مصداق آیه را قبل از آن می‌داند مردود است.
۳. با توجه به ویژگی ثبات و استقرار و نیز گستردگی اسلام و غلبه آن بر سایر ادیان، برخی
احتمالات از قبیل محدود و مقطعی دانستن این خلافت، باطل می‌شود.
۴. غلبه اسلام بر سایر ادیان به این معناست که فقط اسلام پیروانی داشته باشد و بس.
۵. غلبه اسلام بر سایر ادیان، به اعتقاد فریقین، در زمان حکومت حضرت حجت متحقق
خواهد شد.
۶. قبل از غلبه و چیرگی، اسلام باید کامل شده و به حد رضایت خداوند رسیده باشد.

آیه اکمال

-...اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم

الإسلام ديناً...

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام
گرداندم و اسلام را به عنوان دین برای شما برگزیدم.

پس از روشن شدن این مطلب که اسلام پیش از غلبه و چیرگی باید در مرحله قبل کامل
شده و به حد رضایت خداوند رسیده باشد، نوبت به این سؤال می‌رسد که اسلام کی و کجا کامل
شد و به حد رضایت خداوند رسید. پس از روشن شدن این مطلب، به حلقه مفقوده و اتصال
(غدیر) بین بعثت و مهدویت خواهیم رسید.

طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

در پاسخ به سؤال مذکور می‌گوییم: به اعتقاد بزرگان اهل سنت، اسلام در غدیر به وسیله اعلان ولایت حضرت امیر، علی علیه السلام، کامل شد و به حد رضایت خداوند رسید.

ابن مردویه (م ۴۱۰ق)، چندین روایت از ابوسعید خدری، ابوهریره و مجاهد می‌آورد که آیه اکمال در غدیر در شأن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.^{۳۳} حاکم حسکانی (م قرن ۵) پنج روایت از ابوهریره، ابوسعید خدری و ابن عباس ذکر می‌کند که آیه اکمال در غدیر درباره ولایت حضرت علی علیه السلام نازل گردیده است.^{۳۴}

سیوطی (م ۶۱۱ق) از ابن مردویه و ابن عساکر روایت آورده که ابوسعید خدری گفته است: آیه اکمال در غدیر بعد از انتصاب علی علیه السلام به ولایت و خلافت نازل شده است. وی همچنین از ابوهریره نقل می‌کند که آیه در غدیر خم در روز هجده ذی‌الحجه نازل شده است.^{۳۵} ابن کثیر (م ۷۴۴ق) و جمال‌الدین قاسمی (م ۹۴۴ق) روایاتی را از ابن مردویه از طریق هارون عبدی و ابوهریره آورده‌اند و می‌گویند: آیه اکمال در غدیر نازل شده است.^{۳۶}

سبط ابن جوزی که معتقد است آیه اکمال دو بار نازل شده است، یک بار در عرفه و بار دیگر در غدیر، می‌گوید: آیه در هر دو مرتبط به ولایت امام علی علیه السلام است.^{۳۷} قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ق) در *ینابیع الموده* آورده است: بعد اینکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام را در غدیر خم به ولایت منصوب کردند، آیه اکمال نازل شد.^{۳۸}

با توجه به اقوال بزرگان اهل سنت مبنی بر اینکه آیه درباره ولایت امام علی علیه السلام در غدیر نازل شده است، روشن می‌شود که اسلام در غدیر با نصب امام علی علیه السلام به ولایت کامل شد و به رضایت خداوند رسید. بنابراین، پاسخ سؤال مذکور مشخص می‌گردد و حلقه اتصال بین بعثت و مهدویت نیز معین می‌شود و به این ترتیب، مثلث بعثت، غدیر و مهدویت و حکومت جهانی کامل می‌شود.

نتیجه‌گیری نهایی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام را آورد و ۲۳ سال به تبلیغ آن پرداخت. اسلام در اواخر عمر شریف پیامبر به وسیله اعلان ولایت حضرت علی علیه السلام (پس از تعیین جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله) کامل شد و به حد رضایت پروردگار رسید و در آخرالزمان به وسیله مهدی فاطمه علیه السلام بر همه ادیان غالب و چیره می‌گردد.

بی نوشتہا:

۱. توبہ: ۳۳؛ صف: ۹.
۲. زادالمسیر فی علم التفسیر، الامام ابی الفرج جمال الدین محمد الجوزی، تحقیق: محمد بن عبدالرحمن عبداللہ، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ج ۳، ص ۲۹۰.
۳. تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۶، ص ۴۰.
۴. زادالمسیر، ابن جوزی، ج ۳، ص ۲۹۰.
۵. توبہ: ۳۲.
۶. صفوة التفاسیر، محمد علی الصابوری، دارالقرآن الکریم، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۲.
۷. الجامع لاحکام القرآن، لأبى عبدالله محمد بن أحمد الأنصارى القرطبي، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۴۸؛ الکشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۹۹؛ احکام القرآن، جصاص، ج ۵ ص ۳۳۴؛ تفسیر ابن جزری، ص ۲۵۲؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵ و دیگر مفسران....
۸. تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱ و ج ۱۱ ص ۴۸؛ تفسیر فخر رازی، ج ۱۶، ص ۴۰؛ نور الابصار فی مناقب ال بیت النبی المختار، مؤمن بن حسن مؤمن شیلبنحی، دارالحیل بیروت، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۸؛ البیان فی اخبار صاحب الزمان، الحافظ ابی عبداللہ محمد بن یوسف الکنجی الشافعی، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق، باب ۲۵، ص ۱۵۶.
۹. تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۶، ص ۴۰.
۱۰. التسهیل لعلوم التنزیل، ابن جزی الغرناطی الکلبی، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۲.
۱۱. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۲۱۵، شماره ۱۶۶۴۵؛ تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۶، ص ۴۰؛ تفسیر قرطبی ج ۸، ص ۱۲۱؛ در المنثور، ج ۴، ص ۱۷۶.
۱۲. در المنثور، ج ۴ ص ۱۷۵.
۱۳. تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱؛ تفسیر کبیر، ج ۱۶، ص ۴۰.
۱۴. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۷۶، ح ۸۳۲۴.
۱۵. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۲۱۵، شماره ۱۶۶۴۵۵؛ تفسیر کبیر، ج ۱۶، ص ۴۰؛ تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱؛ در المنثور، ج ۴، ص ۱۷۶.
۱۶. البیان فی اخبار صاحب الزمان، باب ۲۵، ۱۵۶.
۱۷. تفسیر قرطبی، ج ۱۱، ص ۴۸. البته راوی حدیث ابن عباس است؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، تحقیق: دکتر عبدالفتاح محمد الحلو، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰.
۱۸. فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر، مرعی بن یوسف المقدسی الحنبلی، تحقیق: شیخ سامی الغریبی، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۱ق، ص ۶۱-۶۴؛ عقد الدرر فی اخبار صاحب المنتظر، ۴۶-۴۱؛ الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۱۶۲؛ مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر بیروت، بی تا، ج ۳، ص ۲۸.

طبر

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

۱۲

۱۹. تذكرة الخواص، سبط ابن الجوزي، بيروت، مؤسسة اهل البيت، ۱۴۰۱ق، ص ۳۶۴.
۲۰. به اجماع مفسران اهل سنت، تمكين به معنای ثبات و غلبه است. ر.ک: تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق احمد فرید، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۲۴؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد ابن جریر الطبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۸، ص ۲۱۱؛ تفسیر السمرقندی، أبو اللیث السمرقندی، تحقیق: دکتر محمود مطرجی، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۱؛ تفسیر ابن زمنین، أبی عبدالله محمد بن عبدالله بن أبی زمنین، ج ۳، ص ۲۴۲؛ تفسیر الشعلی، الثعلبی، تحقیق: أبی محمد بن عاشور، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۱۴؛ تفسیر السمعانی، السمعانی، تحقیق: یاسرین ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۴۴ - ۵۴۵؛ تفسیر البغوی، البغوی، تحقیق خالد عبدالرحمان العیک، دار المعرفة، ج ۳، ص ۳۵۴؛ تفسیر النسفی، ابی البرکات عبدالله بن احمد بن محمود النسفی، بی جا، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۴؛ تفسیر الرازی، الرازی، ج ۲۴، ص ۲۶ و ۳۳؛ تفسیر العزین عبد السلام، الإمام عز الدین عبدالعزیز بن عبدالسلام السلمی الدمشقی الشافعی، تحقیق: دکتر عبدالله بن ابراهیم الوهبی، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۰۹؛ تفسیر القرطبی، القرطبی، ج ۱۲، ص ۳۰۰؛ تفسیر البیضاوی، البیضاوی، بیروت، دار الفکر، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۸؛ تنویر المقاس من تفسیر ابن عباس، الفیروز آبادی، دار الکتب العلمیة، بی تا، ص ۲۹۸؛ تفسیر الجلالین، المحلی، السیوطی، تحقیق مروان سوار، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا، ص ۴۶۷؛ تفسیر أبی السعود المسمی ارشاد العقل السلیم الی مزايا القرآن الکریم، أبی السعود محمد بن محمد العمادی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۶، ص ۱۹۱؛ فتح القدير الجامع بین فنی الروایة و الدراية من علم التفسیر، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، عالم الکتب، بی تا، ج ۴، ص ۴۷؛ أضواء البیان، الشنقیطی، تحقیق مکتب البحوث و الدراسات، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۵۲-۵۵۴.
۲۱. نور: ۵۵.
۲۲. قرآن چنین مقامی را (یعنی عدم ارتکاب هرگونه شرک از سوی انبیا) مقام عصمت می شمارد و رسیدن به آن را در پرتو لطف الهی میسر می داند: زاد المسیر، ابن الجوزی، ج ۴، ص ۱۷۲. بنابراین می گوئیم: صرفاً معصومان دارای این چنین مقامی خواهند بود.
۲۳. المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۷، ص ۴۲۱؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۱۰۹ و ج ۱۶، ص ۲۲۱.
۲۴. روح المعانی، الألوسی، بی جا، بی تا، ج ۱۷، ص ۱۰۴.
۲۵. جامع البیان، ابن جریر الطبری، ج ۱۸، ص ۲۱۱.
۲۶. همان، ج ۱۸، ص ۲۱۱؛ تفسیر الواحدی، الواحدی، ج ۲، ص ۷۶۸؛ تفسیر البغوی، البغوی، ج ۳، ص ۳۵۳؛ تفسیر النسفی، النسفی، ج ۳، ص ۱۵۴؛ أحكام القرآن، ابن العربی، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، دار الفکر للطباعة و النشر، بی تا، ج ۳، ص ۴۱۲ - ۴۱۳؛ تفسیر القرطبی، القرطبی، ج ۱۲، ص ۲۹۸ - ۲۹۹؛ التسهيل لعلوم التنزیل، الفرناطی الکلبی، ج ۳، ص ۷۱؛ تفسیر ابن کثیر، ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۱۱؛ فتح القدير، الشوکانی، ج ۴، ص ۴۷؛ تفسیر الألوسی، الألوسی، ج ۱۷، ص ۱۰۴. و...

۲۷. مائده : ۳.

۲۸. تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۴۲۴؛ جامع البیان، ابن جریر الطبری، ج ۱۸، ص ۲۱۱؛ تفسیر السمرقندی، أبو الیث السمرقندی، ج ۲، ص ۵۲۱؛ تفسیر ابن زمنین، اَبی عبدالله محمد بن عبدالله بن اَبی زمنین، ج ۳، ص ۲۴۲؛ تفسیر الثعلبی، الثعلبی، ج ۷، ص ۱۱۴؛ تفسیر السمعانی، السمعانی، ج ۳، ص ۵۴۴ - ۵۴۵؛ تفسیر البغوی، البغوی، ج ۳، ص ۳۵۴؛ تفسیر النسفی، النسفی، ج ۳، ص ۱۵۴؛ تفسیر الرازی، الرازی، ج ۲۴، ص ۲۶ و ۳۳؛ تفسیر العزین عبد السلام، الإمام عز الدین عبدالعزیز بن عبد السلام السلمی الدمشقی الشافعی، ج ۲، ص ۴۰۹؛ تفسیر القرطبی، القرطبی، ج ۱۲، ص ۳۰۰؛ تفسیر البیضاوی، البیضاوی، ج ۴، ص ۱۹۸؛ تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، الفیروز آبادی، ص ۲۹۸؛ تفسیر الجلالین، المحلی، السیوطی، ص ۴۶۷؛ تفسیر اَبی السعود، اَبی السعود، ج ۶، ص ۱۹۱؛ فتح القدر، الشوکانی، ج ۴، ص ۴۷؛ أضواء البیان، الشنقیطی، ج ۵، ص ۵۵۳ - ۵۵۴.
۲۹. مثلاً اینکه آیه در مکه و یا در اوایل هجرت در مدینه درباره صحابه نازل شده است. جامع البیان، ابن جریر الطبری، ج ۱۸، ص ۲۱۲؛ تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۱۵؛ احکام القرآن، ابن العربی، ج ۳، ص ۴۰۹؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۱۲-۳۱۳؛ الدر المنثور، جلال الدین السیوطی، ج ۵، ص ۵۵.
۳۰. توبه: ۳۳.

۳۱. تفسیر القرطبی، القرطبی، ج ۱۲، ص ۲۹۷.

۳۲. التفسیر الصافی، الفیض الکاشانی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۳۳. نک: مناقب علی بن اَبی طالب، الامام اَبی بکر احمد بن موسی بن مردویه، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۳۴. نک: شواهد التنزیل، الحاکم الحسکانی، تحقیق: الشیخ محمدباقر محمودی، مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۸.

۳۵. در المنثور، سیوطی، ج ۳، ص ۱۶-۱۷.

۳۶. نک: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۵؛ محاسن التأویل، ج ۴، ص ۳۳. هر چند برخی از اهل سنت آنها را ضعیف دانسته و یا از مفتریات شیعه شناخته‌اند، اما این دیدگاه مبنای علمی ندارد؛ چون افرادی که در سلسله سند این روایات آمده‌اند، از نظر رجال شناسان اهل سنت توثیق شده‌اند. به طور نمونه، علامه امینی تک تک رجال سندها را بر اساس موازین اهل سنت بررسی و توثیق کرده است. ر.ک: القدر، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۴.

۳۷. نک: تذکرة الخواص، ص ۲۷.

۳۸. نک: ینایع المودة، سلیمان بن ابراهیم القندوزی، تحقیق: سیدجمال اشرف، دارالاسوة، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴۳ و ۳۴۷.

طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶